

# سازهای فراموش شده

## با نگاهی به نسخهٔ «الواح فولاد» منسوب به عبدالقادر مراغی

✽ **حسن کاشی**، موسیقی دان قرن هشتم هجری در رساله خود، «کنزالتحف» سازها

را به دو گونه کامل و ناقص تقسیم می‌کند. او سازهای کامل را نظیر عود و غشک

(غیچک) و رباب و مزمار و بیشه و سازهای ناقص را چنگ و نزهه و قانون و مغنی

### معرفی می‌کند

و سیم ششم به مانند واخوان، متناسب با کوک ساز، کوک می‌شده.

شش تاء، شش تار، شش تایی: این ساز سه جفت سیم داشته و دارای سه نوع بود: نوع اول کاسه‌ای به شکل گلابی به اندازه کاسه عود داشته، نوع دوم مانند نوع اول بوده ولی با دسته‌ای بلند تر و نوع سوم با تعداد سیم‌های بیشتر که مانند ساز رباب امروزی حکم واخوان را داشتند.

**طرب رود:** این ساز نیز به مانند شش تاء بوده، با این تفاوت که در طرفین این ساز سی وتر کوتاه بسته می‌شود که جمعا شصت وتر می‌شود.

**کمانچه:** از سازهای زهی کششی است. برخی کاسه آن را از پوست جوز هندی می‌سازند و از موی اسب وتر بر آن می‌بندند. بعضی دیگر کاسه آن را از چوب می‌تراشند و از ابریشم بر آن وتر می‌بندند، روی این ساز را پوست می‌کشند و با کمان به صدا درمیا‌آورند. کوک آن نیز مانند کوک عود است.

**غُزک (غیچک):** مانند کمانچه است ولی ده سیم دارد؛ بر دو سیم آن که بزرگتر از دیگر اوتار است، کمان می‌کشند و هشت سیم دیگر برای ازدیاد ظنین است و حکم واخوان را دارد.

**طنبور شروانیان:** کاسه‌ای شبیه به گلابی داشته با دو سیم ؛ کوک آن نیز به فاصله یک طنبنی ۸/۹ بوده و اهالی تبریز بیشتر از آن استفاده می‌کردند.

**طنبور ترکی:** کاسه و سطح این ساز کوچکتر از طنبور شروانیان ولی دسته آن بزرگ تر است. این ساز دو سیم داشته و به فاصله یک ذی الاربع ۳/۴ کوک می‌شده است.

**روح افزای:** کاسه این ساز شبیه به ترنج است. دو جفت از سیم‌ها از جنس ابریشم و دو سیم دیگر از جنس برنج و کوک آن مانند کوک طنبور ترکی است.

**قوپوز:** به شکل عودی کوچک که بر نصف سطح آن پوست می‌کشند. دارای پنج وتر است و به رسم عود کوک می‌شود.

**اوزان:** کاسه این ساز از کاسه دیگر سازها بلند تر است. بر سه‌چهارم سطح آن پوست می‌کشند و دارای سه وتر است و مانند عود کوک می‌شود.

**رباب:** سازی است که به آن سه، چهار و یا پنج وتر جفت می‌بندند و مانند عود کوک می‌شود.

**رود خانی:** مانند عود قدیم است. نصف سطح آن را پوست می‌کشند.

**یکتای:** سازی است که به آن یک وتر می‌بندند و کاسه آن به شکل مربع است و بر دو طرف آن پوست می‌کشند و مانند کمانچه نواخته می‌شود.

**ترنتای:** کاسه‌ای شش پهلو دارد و دسته بلند، و یک سیم.

**تحفه العود:** عود کوچکی است نصف عود معمول.

**شدرغو:** سازی است که کاسه و سطح و دسته‌ای بلند دارد و بر آن چهار وتر می‌بندند و نصف سطح آن را پوست می‌کشند.

**شهرود:** دو برابر طول عود بوده و ده وتر زوج به آن می‌بندند.

**پپیا:** ساز اهل ختا است و نوعی بربط محسوب می‌شود که در چین به آن پپیا می‌گویند. چهار وتر دارد و به رسم عود کوک می‌شود.

■ **آلات ذوات الاوتار مطلقات:**

مغنی، چنگ، اکری، قانون، ساز مرصع غایبی، یاتوغان، ساز دولاب.

مغنی: سازی است شبیه قانون و سنتور منسوب به صفی‌الدین ارموی، بیست و چهار وتر جفت داشته و هر جفت به نسبت یک ذی‌الکل‌اند.

چنگ: از کهن ترین آلات زهی است و بر روی آن پوست می‌کشند و دارای بیست و

بسیاری از سازها که در گذشته مورد استفاده نوازندگان بودند امروزه کاربرد خود را از دست داده و به بوته فراموشی سپرده شده‌اند و از آنها تنها نامی‌باقی مانده است.
از این رو در این مقاله سعی بر آن است تا با بررسی اجمالی سازها نزد برخی از موسیقی دانان پیشین که اطلاعات قابل توجهی در خصوص این قبیل سازها ارائه می‌دهند، به دیدگاه عبدالقادر مراغی در این مورد به صورت مبسوط تری پرداخته و این سازها معرفی شود و یکی از این سازهای فراموش شده به نام «الواح فولاد» به استناد آثار عبدالقادر مراغی و تک نسخه‌ای که در خصوص این ساز نگارش یافته و منسوب به عبدالقادر نیز هست، مورد تأمل و تحقیق قرار گیرد.

بخشی از تألیفات موسیقایی قدیم به مبحث ساز شناسی و تقسیمات آن اختصاص داشت. مؤلفان این رسالات هریک با دیدگاهی که مؤید عقاید ایشان است به تبیین این مسأله پرداخته و تقسیماتی را ارائه کرده‌اند. ابونصر فارابی (۲۵۹ – ۳۳۹ ق) از نمایندگان مکتب اسکولاستیک در رساله خود سازها را این گونه تقسیم می‌کند:

– دسته‌ای که چون تارهای آن را به ارتعاش در آوریم، از آن‌ها نغمه برخیزد. این دسته به دو گروه تقسیم می‌شود؛ آنهایی که از هر تار آن نغمه‌ای حاصل شود مانند معزف و چنگ و دسته‌ای که هر تار آن به چند بخش تقسیم شده از هر بخش آن نغمه‌ای ایجاد شود.

– دسته‌ای دیگر که از دمیدن هوا در آن ساز نغمه حاصل می‌شود، مانند انواع مزمار.

– دسته‌ای دیگر آنهایی که از کشیدن تار یا چیزی دیگر به تارهای ساز، ایجاد نغمه کند. این دسته از سازها نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شود: آنهایی که برای هر نغمه تاری اختصاص یافته ؛ دیگر آنکه یک یا چند تار هر کدام دارای تقسیماتی هستند. ابونصر فارابی پس از اکتفا به این تقسیم‌بندی، به شرح برخی از سازهای مشهور عصر خود چون عود، طنبور خراسانی، طنبور بغدادی، نای و رباب می‌پردازد که در مباحث سازشناسی حائز اهمیت است.

مترجم رساله «مجمل الحکمه» نیز بی اشاره به تقسیمات ساز، اصوات را به دو نوع حیوانی و غیر حیوانی تقسیم می‌کند. در این رساله اصوات غیر حیوانی نیز خود به نوع طبیعی چون سنگ و آهن و رعد، و اصوات غیر طبیعی چون طبل و بوق و ابریشم و نظایر آن تقسیم شده است. پس از ذکر سازهایی مانند چنگ، رباب، بربط، نای، بیشه، طنبور، سرنای و ارغنون، به شرح بربط می‌پردازد و آن را کامل ترین این سازها نام می‌برد و اطلاعات ارزنده‌ای از نحوه ساخت این ساز ارائه می‌دهد.

در بخش موسیقایی برخی از دایرةالمعارف‌ها چون «مفاتیح العلوم» و «نفایس الفنون فی عرایس العیون» نیز به آلات موسیقی اشاره‌ای شده است.ابوعبدالله محمد بن کاتب خوارزمی (۳۷۰ ق) در کتاب خود «مفاتیح العلوم» با دیدی دایرةالمعارف گونه بی‌آنکه تقسیمی انجام دهد به معرفی برخی آلات نظیر ارغنون، شلیاق، لور، قیتاره، طنبور میزانی، رباب، معزفه، مستق، نای، سرنای، یراع، شعیره المزمار، سنج، شهرود و بربط می‌پردازد و با توضیحاتی مختصر در مورد آن، این مبحث را به پایان می‌رساند. محمد بن محمود املی (حدود سال ۷۵۳ق) نیز سازها را بر اساس نحوه صدا دهی آن به دو گونه آلات مهتره و آلات ذوات النفع طبقه‌بندی می‌کند. آلات مهتره را نیز به دو نوع ذوات الاوتار چون عود، چنگ، نزهت، قانون، رباب و طنبور و آلات غیر ذوات الاوتار مانند عنقاء و اوانی مهتره تقسیم می‌کند. آلات ذوات النفع را نیز به دو گونه تقسیم و این گونه بیان می‌کند: «آنکه به نفس انسانی احداث نغم کند مثل حلق و سرنای و غیر آن مثل ارغنون.»

حسن کاشی، موسیقی دان قرن هشتم هجری در رساله خود، «کنزالتحف» سازها را به دو گونه کامل و ناقص تقسیم می‌کند. او سازهای کامل را نظیر عود و غشک (غیچک) و رباب و مزمار و بیشه و سازهای ناقص را چنگ و نزهه و قانون و مغنی معرفی می‌کند و شرح مبسوطی از صنعت و ساختمان برخی از این سازها ارائه می‌دهد که به علت داشتن تصاویری از این سازها قابل تأمل بیشتری



### نوعی قیچک(غیچک)

موسیقار ختایی نیز گویند. ارغنون: سازی است که اروپاییان از آن بیشتر استفاده می‌کنند. این ساز متشکل از لوله‌هایی است که هوا در آن جریان می‌یابد و تولید صدا می‌کند.

■ **سازهای کوبه‌ای آهنگین**

یکی از شاخصه‌های عبدالقادر مراغی در مباحث سازشناسی، دیدگاه او به سازهای کوبه‌ای آهنگین است که برخی به اشتباه آن را جزو سازهای ضربه‌ای ایقاعی دانسته‌اند. این موسیقی دان بزرگ این گونه سازها را وارد تقسیمات خود کرده و آن را از سازهایی نظیر طبل و دهل که سازهای ایقاعی‌اند و قادر به اجرای لحن نیستند، متمایز کرده. ساز الواح فولاد به تصریح مؤلف همانند کاسات و طاسات، جزو آلات کوبه‌ای مطلقات محسوب می‌شود که از هر لوح آن نغمه‌ای حاصل می‌آید. این ساز متشکل از چندین لوح فلزی از جنس فولاد و گاه چوب است که در چهارچوبی نصب شده و به وسیلهٔ دو مضراب چوبی چکش مانند اجرا می‌شود. تعداد الواح این ساز، هجده عدد نیز ذکر شده که در نهایت، قادر به اجرای نغمات یک ذی‌الکل هستند؛ ولی به تصریح نسخهٔ حاضر، تعداد این الواح بیش از این تعداد است.

الواح این ساز، در سه ردیف، و به تعداد مختلف، در این چهارچوب محصور شده، هر یک از این الواح دو سوراخ در بالا و یک سوراخ در پایین داشته که توسط سه ریسمان به این چهارچوب محکم می‌شده است. در این چهارچوب گوشه‌هایی نیز برای گرفتن این ریسمان‌ها تعبیه شده که با چرخش این گوشه‌ها، الواح نیز شل و سفت می‌شوند.

در ردیف دوم این ساز، به تعداد نغمات یک ذی الکل و در ردیف سوم نیز به تعداد نغمات ذی الکل مرتین که در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند، لوح منظور می‌شده که در هنگام احتیاج، نوازنده از آن استفاده کند.

در ردیف اول، بنا بر نسخهٔ حاضر نغمات دایره است به تعداد هشت نغمه و دو نغمه دیگر جهت تزئین، جمعاً به تعداد ۱۰ نغمه و ۱۰ لوح در نظر گرفته می‌شود. از آن جا که در ردیف دوم و سوم نغمات ذی الکل و ذی الکل مرتین به صورت کامل وجود دارد، می‌توان چنین پنداشت که الواح ردیف اول، متناسب با لحن و به خواست نوازنده جهت سهولت در اجرا نصب می‌شده و این الواح قابل تغییر بودند.

ردیف اول این ساز، بر اساس نسخه حاضر متشکل بود از هشت لوح که نغمات دایره راست ا. د. و. ح. یا. بیج. یه. بیج. که را شامل می‌شد و دو لوح برای دو نغمه کا. کیج. که جهت تزئین در این ردیف به کار می‌رفت. ابعاد این نغمات عبارت‌اند از:

چهار وتر است که به ریسمان بسته می‌شود. اکری، ایگری: مانند چنگ است ولی گوشه‌های آن به جای ریسمان از چوب است و به جای پوست، از چوب استفاده می‌کنند.

قانون: سازی است که کاسه و سطح آن مثلث شکل است و دسته ندارد و هر سه وتر به یک نغمه کوک می‌شود.

یاتوغان: سازی است شبیه به سنتور به شکل تخته‌ای میان تهی که کوک آن را با حرکت دادن خرک‌ها تنظیم می‌کنند و اهل ختا (چین) از آن استفاده می‌کنند.

آلات ذوات النفع که آن هم به دو قسم است:

■ **قسم اول، آلات ذوات النفع مقیدات:**

نای سفید، زمر سیه نای، نای بلبلان، نای چاور، سرنای، بورغو، اباق، نفیر، نای خیک.

نای سفید: هشت سوراخ دارد و یک سوراخ در پشت که نوازنده با انگشت ابهام آن را می‌گیرد. اگر نوازنده خبره و ماهر باشد، با شدت دمیدن و گرفتن سوراخ به صورت کامل و نیمه، مجموع دوایر را می‌تواند اجرا کند.

زمر سیه نای: نصف نای سفید است و در آن هوا به صورت ممتد جریان دارد. مانند سرنای نوازنده از سوراخ‌های بینی هوا را گرفته و در دهان آماده دارد تا به حسب احتیاج آن را در نای بدمد. این ساز از نای سفید کامل تر است و مانند آن انگشت‌گذاری می‌شود.

**سرنای:** از نای سفید و سیاه ناقص تر است و نهایت آن یک ذی الکل و الخمس است.

**نای بلبلان:** مانند سرنای است و به صورت ممتد نواخته می‌شود.

**بورغو:** از برنج می‌سازند و مانند کرنا است به طول سه برابر سرنای و از آن سه نغمه ا، یا، یح حاصل آید.

نفیر: مانند بورغو است ولی بلند تر از آن و اگر گردن و دهان آن کیج شود به آن کره نای گویند.

**اباق:** طول آن به اندازه یک وجب است و زبانه‌ای (قمیش) برای ایجاد صوت دارد.

**خیکی نای (نی انبان):** این ساز از یک خیکی که سوراخی برای دمیدن و دو نی که جفت شده و در انتهای آن قرار دارد، تشکیل شده. نوازنده در آن خیکی می‌دمد تا پر باد شود و با فشار دادن آن، هوا از دو نی خارج می‌شود. سوراخ‌های این دو نی مانند یکدیگر است و در هنگام اجرا از هر دو نی یک صدا شنیده می‌شود.

■ **قسم دوم، ذوات النفع مطلقات:**

موسیقار، جبجیق، ارغنون. موسیقار: نوع ابتدایی ساز دهنی است متشکل از تعدادی نی با اندازه‌های مختلف که کنار هم قرار گرفته.

جربجیق (چبجیق): عملکردی نظیر نی انبان دارد ولی مانند موسیقار متشکل از چندین نی است که به محفظه‌ای متصل هستند و آن را

# سازهای فراموش شده



ط. ج. ج. ط. ج. ج. ط. ج. نغمات کا. کج از آن جهت برای این ردیف انتخاب شده‌اند که نغمات نظیر دو نغمه د. و. هستند در ذی الکل مرتین. در این صورت نوازنده برای زیبا کردن لحن خود می‌تواند از این دو نغمه استفاده کند.

در ردیف دوم این ساز، به تعداد هفده نغمه ذی الکل، هفده لوح قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از:

ا. ب. ج. د. ه. و. ز. ح. ط. ی. یا. یب. یج. ید. یه. یو. یز. و در ردیف سوم نیز نغمات نظیر آنها در ذی الکل مرتین به علاوه نغمه نظیر «یح» که نغمه «له» می‌شود، جمعا هجده نغمه و هجده لوح در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، نغمات در سه ردیف این ساز به این ترتیب خواهد بود:

ردیف اول: ا. د. و. ح. یا. یج. یه. یح. کا. کج.

ردیف دوم: ا. ب. ج. د. ه. و. ز. ح. ط. ی. یا. یب. یج. ید. یه. یو. یز.

بزرگ میدانند.

## ساز الواح فولاد

این الواح را از فولاد سازند و چون دراز باشد و عریض، ثقیل اعنی بم باشد و اینها سبب نرمی آن باشد. اما هر گاه که لوح کوتاه باشد در طول و عرض کم غلیظ بود، نغمه آن حاد باشد اعنی تیز و این اسباب حده باشد و در هر لوحی سه ریسمان گذاشته باشند؛ دو ریسمان در سر لوح و یک ریسمان در بن لوح و آن ریسمان‌ها بر ملاوی پیچند تا راست آید و ملاوی اعنی گوشها همچون ملاوی عود باشند که ریسمان را بدان پیچند. پس بیاید دانست که این سه صف الواح است صف اول ملایمتست و اصطخاب آن را بنغمات دایره راست کردیم و آن است تا یح اما کا و کج زاید برای رونق و تزیین است.

صف دوم هفده لوح است بر عدد نغمات هفده گانه که مدار الحان بر آنهاست چنانکه در الواح صف سیم مرقوم شده است زیرا که اگر خواهیم که مجموع دوایر و اجناس و ابعاد و طبقات را از صف اول استخراج کنیم ده نغمه خود در صف اول موجود است چون هفت نغمه باقی می‌ماند در وقت احتیاج از الواح صف ثانی در عمل آوریم اما در الواح صف ثالث هفده نغمه حواد موجود

است چه هر نغمه را نظیری هست در حدت و حواد را در ثقل مثلا نغمه دو گاه را نغمه محیر که تیزی اوست نظیر و قائم مقام او باشد چنانکه نغمه راست را کردانیا نظیر آن باشد در حدت اما نغمه راست نظیر نغمه کردانیا باشد در ثقل پس هر نغمه از آن نغمات حواد نظیر هر نغمه باشد از نغمات ثقال برین مثال ا یح ب یط ج ک د کا ه کب و کج ز کد ح که ط کوی کز یا کج یب کط یج ل ید لایه لب یو لچ یز لد یح له و این الواح را بمضرابی قرع کنند که مثل چکوچی باشد از چوب و گاه باشد که بدو مضراب قرع الواح کنیم مضراب یمین را که بر لوح یمین قرع کنیم انرا لوح سائر خوانیم آن مضراب یسار را که بر لوح طرف یسار قرع کنیم انرا لوح راجع خوانیم و گاه باشد که هر دو مضراب معا در عمل آوریم و گاه باشد که مضراب سائر سیر نغمات کند و راجع بر یک لوح مکث و درنگ نماید انرا ترجیع خوانیم و گاه باشد بدستی مضراب بر نغمات ثقیل حذف کنیم و بدستی نغمات حواد چنانک زیر و بم معا با یکدیگر تلحین کنند. شروح لوح آن بسیار است اما چو چشمم روشنی نمی‌دهد بدین مقدار اکتفاء کردیم.

■ سید محمد تقی حسینی